

افزایش سواد رسانه‌ای کاربران و امنیت سایبری

دانشگاه نماد آموزشی شبکه‌های سایبری شماره شصت

Cyber Saturdays No. 60



افزایش سواد رسانه‌ای کاربران و امنیت سایبری

افزایش سواد رسانه‌ای کاربران و امنیت سایبری

در ذهن بسیاری از افراد، واژه‌ی سواد با رسانه‌ی چاپی بیشترین ارتباط را دارد؛ چنان که معادل توانایی خواندن است. به طوری که در رابطه با تعلیم و تلویزیون این اصطلاح را سواد بصری نام‌گذاری می‌کنند.

در واقع، سواد شامل به دست آوردن مهارت و دانش خواندن، تفسیر کردن و تولید انواع خاص متون و به دست آوردن ابزار فکری و ظرفیت‌های مشارکت در فرهنگ و جامعه است. اما سواد رسانه‌ای می‌تواند به عنوان دانش درباره‌ی چگونگی عملکرد رسانه‌های جمعی در جامعه تعریف شود. به طور کامل، دانش باید شامل همه‌ی جنبه‌های طرز کار رسانه باشد: اساس اقتصادی، ساختار سازمانی، اثرات روانی، پیامدهای اجتماعی و بالاتر از همه، زبان رسانه‌ها که استراتژی‌های بیانی و قراردادی تبلیغات، برنامه‌های تلویزیون، فیلم‌ها و دیگر اشکال محتوای رسانه‌ی جمعی را بازنمایی می‌کند. در حقیقت، سواد رسانه‌ای علاوه بر توانایی خواندن و نوشتن، به دنبال ایجاد توانمندی تحلیلی و ارزشیابی پیام‌ها و ایجاد قدرت تولید، انتشار، اشاعه و انتقال اطلاعات به دیگران در قالب‌های مختلف است. در واقع، سواد رسانه‌ای در رسانه‌های جمعی می‌تواند همانند اشکال گوناگون زبان دیداری و نوشتاری مورد استفاده قرار بگیرد؛ به گونه‌ای که رسانه‌های جمعی با تولید نشانه‌های گسترده‌ی شنیداری و دیداری می‌توانند در توانایی تحلیلی و ارزشیابی پیام‌ها و انتقال اطلاعات مربوط به حفظ مخاطبان رسانه‌ای خود، کمک شایانی کنند.

امروزه، به نوعی رسانه پنجره‌ی نگاه ما به دنیا تلقی می‌شود و سواد رسانه‌ای به ما این امکان را می‌دهد که بدانیم بازنمایی رسانه از واقعیت تا چه حد دقیق، درست و عادلانه صورت می‌گیرد. سواد رسانه‌ای به ما کمک می‌کند تا اشکال و محتوای برنامه‌ها را بر ذهنیت و ادراک افراد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. همچنین در زمینه‌ی مقابله با مشکلات اجتماعی مختلفی نیز که نوجوانان و جوانان با آن روبرو هستند، ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای بیش از پیش آشکار می‌شود؛ چرا که آموزش سواد رسانه‌ای با ایجاد تفکر انتقادی در فرد، به او کمک می‌کند که به تجزیه و تحلیل مسائل بپردازد.

سواد رسانه‌ای از بعد روانی نیز اهمیت بسیاری دارد و ضرورت آموزش آن را دو چندان می‌کند؛ چرا که رسانه‌ها همان گونه که قادر هستند بار فشار روانی شدیدی بر آدمی وارد کنند، همان گونه هم می‌توانند مخاطبان را از استرس دور کنند و به آرامش برسانند.

در حقیقت، با توجه به این که بر هیچ کس پوشیده نیست محصولاتی که رسانه‌ها عرضه می‌کنند، حتی در غیاب ابزار و شاخص‌های قابل سنجش تا چه حد تاثیرگذار است، شاهد آن هستیم که با گسترش ارتباطات و رسانه‌ها، انسان جدیدی با ویژگی‌های نو و با مصرف بسیار زیاد رسانه -یا به عبارت دیگر اعتیاد رسانه‌ای- به وجود آمده است که پیامدهای منفی آن نیز در وی قابل مشاهده است.

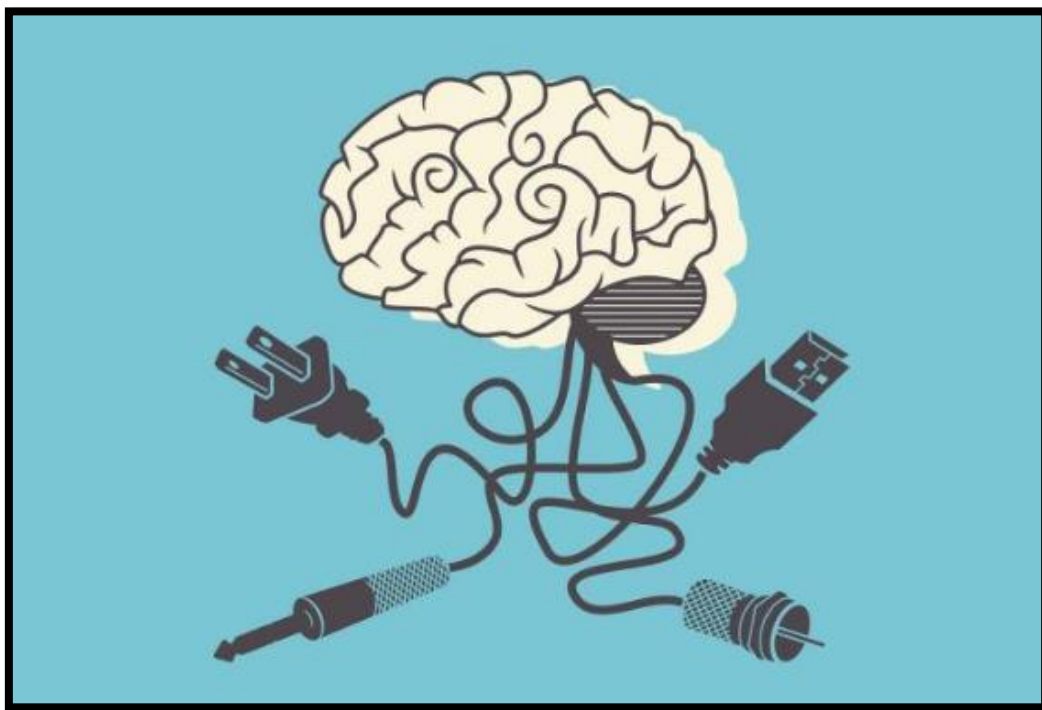
در این صورت وقتی اشخاص شاهد رخدادی باشند و سپس در معرض اطلاعات جدید و گمراه‌کننده‌ای درباره‌ی آن قرار بگیرند، ممکن است در تشخیص درست از نادرست به اشتباه بیفتند و، چون تاثیر اطلاعات نادرست آن گونه که باید ارزیابی نمی‌شود، ناخودآگاه به مغز افراد هجوم می‌آورد و تاثیر منفی شدیدی بر ذهن فرد می‌گذارد.

از بعد دیگر، سواد رسانه‌ای اولین و عمده‌ترین تاثیر را بر نهاد اصلی تشکیل دهنده‌ی جامعه، یعنی نهاد خانواده، می‌گذارد که همین مطلب ضرورت پرداختن به آن را بیش از پیش بر همگان آشکار می‌کند. سواد رسانه‌ای می‌تواند به خانواده به عنوان عضوی از جامعه‌ی مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله‌ی متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت به نفع خود آنان باشد. در حقیقت، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره‌ی رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شویم و این یعنی سواد رسانه‌ای ساختاری فکری به خانواده خواهد داد که بر اساس آن بایدها و نبایدهای استفاده از رسانه را مشخص می‌کند و به این ترتیب خانواده از بسیاری مخاطرات و تهدیدات در امان خواهد ماند.

افزایش سواد رسانه‌ای کاربران و امنیت سایبری

با این همه، از آن جایی که حضور در انواع مختلف شبکه‌های اجتماعی بخشی از برنامه‌ی روزانه‌ی کاربران شده است و از طرفی راهی برای انتقال اخبار، اشتراک‌گذاری عکس‌های متعدد، عضویت در گروه‌های خبری و مباحثه و به تبع آن، بستری مناسب با هدف تولید محتوا و کسب اطلاعات درباره‌ی رویدادها و وقایع سیاسی، اجتماعی-اقتصادی و علمی محسوب می‌شود، کاربران می‌بایست به منظور بهره‌مندی بهینه‌تر از شبکه‌های اجتماعی، مهارت‌های سواد اطلاعاتی مذکور را بیاموزند و به درستی مورد استفاده قرار دهند.

در مجموع می‌توان گفت که پیشگیری از بروز خطرات امنیتی، از جمله مواردی است که در چارچوب سواد رسانه‌ای افراد قرار می‌گیرد و اگر هر فرد به نوبه‌ی خود در این رابطه دارای آگاهی لازم باشد، هم خود و هم جامعه کمتر تحت تأثیر آسیب‌های امنیتی قرار می‌گیرند. ضمناً هستند افرادی که به واسطه‌ی شغل و یا موقعیت اجتماعی خود بیش‌تر در معرض این آسیب‌ها قرار دارند و به همین دلیل باید بیش از سایر اشخاص اطلاعات کسب کنند و بیش از بقیه در افزایش سواد رسانه‌ای خود بکوشند.



به دست آوردن شناخت از نحوه‌ی تکنیک‌های دستگاه‌های جاسوسی دشمنان کشور و روش‌های مختلفی که برای به دام انداختن نخبگان یا شهادت آنان به کار گرفته می‌شود، می‌تواند کمک کند تا خسران و آسیب کمتری در حوزه‌ی حذف و فقدان نیروهای شاخص کشور داشته باشیم. شاید شنیدن عنوان آسیب‌شناسی فرهنگی جامعه‌ی ایران از دهان سازمان اطلاعاتی آمریکا جالب باشد. در این بررسی، این سازمان طی ابلاغ رسمی به افسران اطلاعاتی فعال در موضوع ایران توصیه کرده است که «ایرانیان، مردمانی عاطفی و احساسی هستند، لذا تلاش کنید تا در تعاملات خود آن‌ها را با دادن هدیه، تسهیلات، دعوت به رستوران و ... مدیون نمایید.

چرا که آنان در این شرایط تلاش خواهند کرد تا محبت شما را جبران کنند و در این فرآیند است که می‌توانید یک ایرانی را از طریق ارتباط دوستانه با خود همراه و به تدریج تبدیل به خائن و جاسوس کنید.» به این ترتیب می‌بینیم که داشتن اندکی سواد امنیتی کمک می‌کند تا افراد جامعه، به‌ویژه نخبگان، کمتر در این دام بیفتند.

افزایش سواد رسانه‌ای کاربران و امنیت سایبری

تأثیر فضای مجازی بر هویت نهاد خانواده

وجود شبکه‌های مجازی، هویت اجتماعی جوامع امروزی را دچار تغییر و تحولات عمده کرده است. جهان مجازی با خصیصه‌هایی مانند بی‌مکانی، فرازمانی، تکثر داشتن، قابل دسترس بودن همزمان و غیره، از جهان واقعی به طور نسبی جدا می‌شود. ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی، دگرگونی‌های بنیادینی را در تعاملات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است.

به عقیده‌ی کاستلز از آن‌جا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه‌ی فرهنگ که شامل نظام‌هایی از عقاید و رفتارها می‌شود، با ظهور فناوری جدید دستخوش دگرگونی‌هایی بنیادین می‌گردد. پیامد این امر، شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات انسانی است که ضمن تمایز از الگوهای ارتباطی مرسوم در رسانه‌های ارتباط جمعی، عملاً فرصت‌های نوینی را در جهت تجلی خود و هویت به وجود می‌آورد.

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، محصول درهم‌شکستگی هستی‌شناختی و پیچیده شدن فزاینده‌ی تفاوت‌های فردی است و با آن سنخیت تام دارد. امروزه حتی اعضای خانواده‌ها و همسایگان نیز به ندرت معنای واحدی از هویت در ذهن دارند. این امر تشخیص اصالت‌ها را روزبه‌روز دشوارتر ساخته است. کشاکش فرهنگی، در خانواده‌ها ارزش‌ها و رفتارها را نیز دچار دگرگونی کرده است و بسیاری از رفتارهای ثابت و دیرین خانوادگی کمرنگ شده و رفتارهای دیگری بر جای آن نشسته است.

از معضلات اساسی شبکه‌های اجتماعی مجازی، توانایی به اشتراک گذاشتن اطلاعات شخصی، تصاویر، عضویت در گروه‌های گوناگون و ملحق شدن به دیگران است. در واقع خاصیت رشد شبکه‌های اجتماعی، تغییرات اجتماعی است که توأم با ازدیاد اطلاعات و افزایش نیاز به اشتراک‌گذاری، اعتماد و اتصال آنلاین است که می‌تواند تهدیدی برای هویت و امنیت اجتماعی به شمار آید.



افزایش سواد رسانه‌ای کاربران و امنیت سایبری

برخی از آسیب‌هایی که فضای مجازی بر نهاد خانواده وارد می‌کند، به شرح زیر هستند:

۱. فضای مجازی دارای ظرفیت‌هایی است که قادر است از طریق تأثیر بر نهاد خانواده، ضریب امنیت عمومی را کاهش دهد.

نهاد خانواده، همیشه به عنوان مهم‌ترین واحد اجتماعی مورد توجه و حمایت علم حقوق بوده است. با صنعتی شدن جوامع و ایجاد تغییرات درونی و بیرونی در نهاد خانواده توسط عوامل متعدد از جمله شبکه‌های مجازی، نیاز به راهکارهای جدید حمایتی در این موضوع به چشم می‌خورد. با ظهور مدرنیته، بسیاری از حوزه‌ها با چالش مواجه شدند. خانواده در زمره‌ی نهادهایی است که پس از مدرنیته متحول شده است و با خروج از حالت سنتی خود، بسیاری از هنجارها و ارزش‌های آن اعتبار خود را از دست داده است. از یک سو هنوز گرفتار بعضی سنت‌های غلط گذشته مانند بی‌عدالتی و ظلم به زنان است و از سوی دیگر آموزه‌های مدرن مانند اصالت لذت‌های دنیایی و تأکید بیش از حد بر آزادی انسان‌ها و بالاخص زنان، سلامت و ثبات و حتی کیان خانواده را به خطر انداخته و آسیب‌های جدی اجتماعی به وجود آورده است.

بر اساس تحقیقات انجام شده، با ورود ابزارهای نوین ارتباطی به خانه‌ها نظم اجتماعی از هم گسیخته است. از این رو نگرانی‌های عمده در مورد فعالیت‌های چندگانه، وابستگی، نداشتن تحرک، رشد ارتباطی ضعیف و مهارت‌های ارتباطی توسعه‌نیافته، جملگی به این عقیده‌ی کلی دامن زده‌اند که باید از فناوری پرهیز کرد.

۲. شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، پابندی افراد و نهادهای جامعه را به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در فرهنگ کاهش می‌دهند و در نتیجه هویت اجتماعی و امنیت اجتماعی متزلزل می‌سازند.

زمانی امنیت تنها در بعد نظامی نگریسته می‌شد و با تجهیز کشور به تسلیحات نظامی، ادعای برخورداری از امنیت عملی می‌شد. امروزه، گرچه بعد نظامی همچنان از جایگاه بایسته برخوردار است، اما افزایش جنبش‌های فراملی، کاهش حاکمیت ملی، درخواست افزایش مصونیت فرد در قبال عملکرد دولت، اعتراض به تفاوت فاحش فقیر و غنی، افزایش جرائم و ... باعث شده است که محققان و متفکران امنیت ملی به ساختارهای اجتماعی که بستر پرورش چنین قواعد و الگوهای رفتاری هستند، توجه کنند و بعد اجتماعی امنیت ملی را در کنار ابعاد دیگر آن مورد ملاحظه قرار دهند.

زمانی که هویت یک گروه اجتماعی به مخاطره افتد، بحث امنیت اجتماعی مطرح می‌شود. در واقع هر آنچه هویت اجتماعی گروه‌ها را به مخاطره بیندازد، به عنوان تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود.

۳. فضای مجازی بر مطلوبیت مناسبات خانوادگی به طور عام و نیز مطلوبیت روابط والدین و فرزندان و روابط زن و شوهر و اعتماد متقابل آن‌ها به طور خاص تأثیرگذار است.

ظرفیت‌های بالقوه‌ی موجود در شبکه‌های مجازی، بیشتر در راستای تبدیل پیوندهای پنهان (که دو طرف، از آن‌ها آگاهی ندارند) به پیوندهای ضعیف بین افراد قرار دارد و می‌تواند افراد را با علایق و سلیق متفاوت دور هم جمع کند. امکاناتی که این فضاها برای کاربران در پروفایل شخصی‌شان قرار می‌دهد (برای مثال دوستان با علایق مشترک)، زمینه را برای تبدیل پیوندهای پنهان به پیوندهای ضعیف به وجود می‌آورد.

در واقع، ما شاهد نوع جدیدی از وابستگی اینترنتی هستیم که مسئله‌ی اصلی و خاص عصر اطلاعات است. همانند انواع دیگر وابستگی، وابستگی به اینترنت با علائمی همراه است که از آن قبیل می‌توان به افسردگی، کج خلقی، احساس تنهایی، اضطراب، ناآرامی و ... اشاره کرد. این عوامل موجب می‌شود افراد از خانواده منزوی شوند و به ساختار سلامت روانی و اجتماعی خانواده ضربه وارد شود؛ زیرا افراد وابسته به اینترنت، زمان کمتری را با خانواده برای تعاملات انسانی و اجتماعی می‌گذرانند که این امر خود ممکن است به بی‌اعتمادی زن و شوهرها نسبت به یکدیگر و حتی طلاق بینجامد.

افزایش سواد رسانه‌ای کاربران و امنیت سایبری

۴. شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی و الگوی بومی خانواده تأثیر منفی دارد.

شبکه‌های مجازی با تأثیر بر سبک زندگی و الگوی بومی خانواده‌ها، سبب سوء معاشرت، خشونت، سستی مبانی خانواده، سخت شدن تربیت فرزندان و انحرافات در اخلاق و فرهنگ جنسی نهاد خانواده می‌شوند. امروزه کمتر انسانی را می‌توان یافت که ساعتی از وقت خود را صرف فضای مجازی نکند و رفتار و افکارش تحت تأثیر آن قرار نگیرد. در جمع و مهمانی، کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که اعضای آن از فضای مجازی استفاده نکنند. نوجوانان در رختخواب و در وعده‌های غذایی، حتی هنگام کار و انجام تکالیف از تلفن‌های همراه خود جدا نمی‌شوند و همواره در حال تعامل با گروه‌های اجتماعی هستند.

۷۲ درصد از نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ سال در ایالات متحده از تلفن همراه و پیامک استفاده می‌کنند و بیش از ۲۳ میلیون نوجوان در آمریکا وارد فضای مجازی می‌شوند و الگوهای اجتماعی این چینی در خانواده‌ها و بین نوجوانان، بر دیگر روش‌های ارتباطی چیرگی دارد. این روابط به سرعت روابط صمیمی و عاطفی را در خانواده کاهش می‌دهد و تعاملات اجتماعی سنتی را به حداقل می‌رساند. نسل جوان به دلیل این که با محدودیت ارزشی، هنجاری، خانوادگی و قانونی در جامعه روبروست، بیشتر شیفته‌ی جذابیت‌های جدید می‌شود. این معضل سبک زندگی آنان را کاملاً تغییر می‌دهد و به سمت استفاده‌ی مفرط از شبکه‌های مجازی سوق می‌دهد و آنان را از مهم‌ترین فعالیت‌های زندگی، دور نگه می‌دارد.



البته به طور کلی این حقیقت غیرقابل انکار است که فضای مجازی با وجود تهدیدهای متصور، از طریق بهبود و سلامت ارتباط‌های اجتماعی افراد، آگاه‌سازی و آموزش‌های اجتماعی و در نهایت تولید قدرت نرم، فرصت‌های مغتنمی را برای معرفی توان‌ها و قابلیت‌های فرهنگی، ایجاد و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در اختیار ملت‌ها و دولت‌ها قرار داده است؛ اما این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که در کنار لزوم استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، جوامع باید بر روی افزایش سواد رسانه نیز تمرکز کنند تا آسیب‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی را به حداقل برسانند.